

## بررسی تاریخی فرقه حروفیه

دکتر فرهاد صبوری فر<sup>۱</sup>

جمال لطفی<sup>۲</sup>

### چکیده

این مقاله کوششی است درباره چگونگی تشکیل و نضج و بالندگی فرقه حروفیه با نگاهی به زمینه‌های پیدایش و آغاز و انجام آن و تاثیرات آن بر دیگر اندیشه‌های عرفانی. مسأله اصلی واکاوی زمینه‌های شکل‌گیری این فرقه در ایران است و روش پژوهش نیز تاریخی و مبتنی بر توصیف و تحلیل خواهد بود. در نهایت نیز نتیجه تحقیق در خصوص فرقه حروفیه اجمالاً مطرح می‌شود که این فرقه در یکی از دوره‌های گذار در تاریخ ایران پدید آمد. به لحاظ سیاسی گذار از ایران چند دولتی پس از ایلخانان، به ایران متحد عصر صفوی، به لحاظ فرهنگی از ایران غالباً سنی، به ایران شیعی و به لحاظ اجتماعی نیز گذار از ایران پر آشوب و جنگ دوره تیموری و ترکمانان به ایران نسبتاً با ثبات عصر صفوی. **واژگان کلیدی:** حروفیه، فضل‌الله حروفی، ادبیات حروفی، عمادالدین نسیمی، تأویل.

### The Historical Investigation of Hurufi Sect

Dr. Farhad Saboorifar<sup>۱</sup>

Jamal Lotfi<sup>۲</sup>

#### Abstract

This article is an attempt on how to form and growing and progress of Hurufi Sect with a view to the fields of birth and the beginning and end of these sect and its effects on other mystic thoughts. The main problem is to review the fields of the formation of the sect in Iran and the research method is historical and based on the description and analysis. Finally, the result of the investigation into the Hurufi Sect indicates that the sect emerged in one of the transitional periods in the history of Iran, Politically, transition from several state - owned Iran after Ilkhanate period to the United Iran during the period of Safavid, culturally, transition from mostly Sunni Iran to the Shi'ite Iran and socially as well as the transition from full of chaos and war in Iran Under the Temurids and Turkmens period to the relatively stable in the *Iran* Under the Safavid. **Keywords:** Hurufi, Fazl Allah e Hurufi, Hurufi literature, Emad al Din e Nasimi, Interpretation.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی.

3. Assistant Professor, Department of History, Arak University. Email:

f.saboorifar@gmail.com

4. MA Student of the History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University. Email:

j.lotfi1985@gmail.com

## مقدمه

در ابتدای نیمه دوم قرن دوم هجری، برخی از ایرانیانی که پیرو مسلک مانوی و مزدکی و دیگر ادیان بودند، به تصوف روی آوردند. به عنوان مثال، به قول جامی در *نفحات الانس*، اولین خانقاه به وسیله یک امیر ترسا احداث گردید.<sup>۵</sup> به مرور، فلسفه و به ویژه فلسفه نوافلاطونی و عقاید بوداییان، هندوان، مسیحیت، زردشتی، میترائیسم و مکتب یوگی در تصوف اسلامی وارد شد. اما این مسلک با اساس تعلیمات اسلام و روش عملی آن، اختلاف فاحش و گاه تضاد کامل داشت. قطعاً این تفکر که هیچ عاملی جز خود اسلام در پیدایش فرقه‌ها و جنبش‌های صوفیانه مؤثر نبوده، مردود است و نباید عوامل مختلف، از قبیل نفوذ افکار و آرای سایر ادیان و مذاهب و مکاتب، افراط و سختگیری در تعالیم اسلام، عوامل و شرایط اجتماعی و سیاسی، تاثیر جنگ‌های داخلی و خارجی در روحیه مسلمین، مظالم و جنایات دستگاه حاکم و غیره را در بررسی علل و پیدایش جنبش‌های مختلف صوفیانه از جمله حروفیه از نظر دور داشت.

از قرن پنجم هجری، سلسله‌ها و جنبش‌های مختلفی در تصوف اسلامی به وجود آمد. اما اوج این جریانات در دوره تیموری است. فرقه حروفیه نیز به عنوان یکی از جنبش‌های صوفیانه متعلق به این دوره - یعنی یکی از تاریک‌ترین دوران تاریخی ایران - است. این فرقه اگرچه مدت زیادی در ایران نپایید، اما موفق شد به نوعی وجود خود را در آسیای صغیر تا دوران ما حفظ کند و باید آن را یکی از نهضت‌های قابل تأمل دینی در تاریخ ایران دانست. موسس این فرقه مردی است به نام فضل‌الله نعیمی استرآبادی (معروف به فضل‌الله حروفی) که در نیمه دوم قرن هشتم می‌زیسته است.

پس از بیان زمینه‌های پژوهش، پرسش‌هایی که مدخل ورود به بحث را فراهم می‌کند، یافتن علل و زمینه‌های پیدایش جنبش حروفیه بوده است. گزارشی مختصر از علل افول و ناکامی این فرقه و دیگر جنبه‌های مرتبط با آن نیز ارائه خواهد شد. در پژوهش پیش‌رو، در پاسخ اولیه به پرسش‌های مطرح شده، فرضیه‌هایی به عرصه نظر، می‌رسد. نخست آنکه، شرایط نامناسب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی علت پیدایش این فرقه بوده است. دوم آنکه، این فرقه در ابتدا مسلکی صوفیانه بود که بعدها رنگ سیاسی و مهدوی به خود گرفت و پس از مرگ موسس

۵. نورالدین عبدالرحمان جامی، *نفحات الانس*، ج ۱ (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰)، ص ۱۲۱۴.

آن، به دلیل اختلافات داخلی و سرکوب دائمی ناکام ماند. در نهایت، عدم موفقیت در جلب عمومی مخاطبان و فقدان استراتژی منسجم، از علل ناکامی این جنبش بوده است.

## معرفی و بررسی منابع

در خصوص فرقه حروفیه، چندین منبع دست اول وجود دارد که برخی به قلم موسسان و پیروان این فرقه و برخی دیگر متعلق به هم‌عصران غیرحروفی آن‌ها می‌باشد. در عین حال، در عصر حاضر نیز مطالعات و تحقیقات تخصصی یا مرتبط به این فرقه صورت گرفته است که اهم آن‌ها در ذیل معرفی می‌شود.

الف) منابع دسته اول

۱) آثار حروفی:

- جاویدان کبیر، مثنوی عرشنامه، نومنامه، اشعار، منظومه فارسی انفس و آفاق، محبت‌نامه از فضل‌الله حروفی.

- عرشنامه و کرسی‌نامه از علی الاعلی.

- استوانامه از غیاث الدین محمد استرآبادی.

- خوابنامه از نصرالله نافجی.

- دیوان عمادالدین نسیمی.

اغلب این آثار هنوز به صورت نسخ خطی، در کتابخانه‌های خارج از ایران - به ویژه در ترکیه - قرار دارند. درباره این آثار باید گفت، هرچند اطلاعات ارزشمندی در خصوص فرقه حروفیه دارا می‌باشند، اما نباید از نظر دور داشت که همه آن‌ها از منظری جانبدارانه درباره این فرقه سخن گفته‌اند و برای به کارگیری آن‌ها، مطالعه سایر منابع جانبی نیز لازم و ضروری است، تا از این راه بتوان به فهم دقیق‌تری از این جنبش‌ها دست یافت و چنین فرقی را با نگاه انتقادی‌تری مورد بررسی قرار داد.

۲) آثار غیر حروفی معاصر با این فرقه:

- مطلع السعدین و مجمع البحرين از کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی.

- انباء الغمر بانباء العمر از ابن حجر عسقلانی.

از آنجا که شاید برخی از این نویسندگان، هوادار و یا در دربار تیموریان بوده‌اند، گاهی ممکن است از سر خصومت نسبت به این فرقه سخن گفته باشند، و به این منابع هم به رغم اهمیت، باید با نگاه انتقادی نگریست تا در مقایسه با دیگر آثار، روایت منسجمی ارائه کرد.

ب) مطالعات و تحقیقات جدید

۱) مطالعات تخصصی:

- حروفیه در تاریخ از یعقوب آژند.
- نوشته‌های حروفیان از ادوارد بروان.
- مقاله حروفیه از کلمان هوار.
- آغاز فرقه حروفیه از هلموت ریتز.
- اغلب این آثار، با نگاهی علمی و منتقدانه نسبت به فرقه حروفیه سخن گفته‌اند.

۲) مطالعات و تحقیقات مرتبط:

- تاریخ ادبیات در ایران از ذبیح الله صفا.
  - ریحانه الادب از مدرس تبریزی.
  - نقطویه یا پسیخانیان از صادق کیا.
  - دانشمندان آذربایجان از محمدعلی تربیت.
  - جستجو در تصوف ایران از عبدالحسین زرین کوب.
  - تاریخ ادبی ایران از ادوارد بروان.
  - ریاض العارفین از رضاقلی خان هدایت.
- این جمله آثار، هرچند مطالعاتی تخصصی راجع به حروفیه محسوب نمی‌شوند، اما دربردارنده بررسی‌ها و تحلیل‌های مفیدی راجع به این فرقه می‌باشند. در عین حال، آثاری ترجمه نشده نیز به زبان ترکی، راجع به این فرقه وجود دارد که دسترسی به آنها برای نگارندگان میسر نشد. در این پژوهش، نویسندگان در تلاشند تا با استفاده از منابع دست اول، شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران را در فراز و فرود این فرقه بررسی کنند؛ چیزی که در متون دیگر کمتر بدان اشاره شده است. سپس به مسائل دیگر پرداخته خواهد شد.

## وضعیت سیاسی - تاریخی ایران و ظهور حروفیه

در نیمه دوم قرن هشتم، در حالی که هنوز در ایران آرامش چندانی پس از حمله مغول و سقوط سلسله ایلخانی حاصل نشده بود، با ظهور تیمور، بلای دیگری گریبانگیر ایران شد که در نتیجه آن، همه حکومت‌های ایرانی و همچنین حکومت‌های ایرانی شده بین‌النهرین را تا آسیای صغیر یکی پس از دیگری به زانو درآورد یا از میان برد. تیمور، رئیس قبیله‌ی «برلاس» در ماوراءالنهر بود که به ریاست طایفه خود رسید و در مدت کوتاهی موفق شد، صاحب دستگاهی مقتدر گردد و به حکومت شهر کُش در ماوراءالنهر برسد. وی پس از حذف رقیبانش، از سال ۷۸۲ قمری، شروع به لشکرکشی‌های خود به ایران کرد و با حمله به ایران، بین‌النهرین، شام، آسیای صغیر و هند را بر قلمرو خود افزود. تیمور، در عین آنکه فرمانروایی موفق و فاتحی بزرگ بود، مردی خونریز و بی‌رحم بود که در طول فتوحاتش دست به کشتارهای عظیمی زد.<sup>۶</sup>

فضای ایران پس از حمله مغول و همزمان با یورش‌های تیمور و بعد از آن ترکنازی‌های ترکمانان، از جهت فرهنگی و اجتماعی، زمینه پیدایش نحله‌ها و فرقه‌های افراطی را فراهم آورد؛ چراکه عموماً جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در ایران، حتی تا این اواخر نیز شکل مذهبی داشت. خصوصاً در گذشته، آنچه از نگاه مورخان رسمی، بی‌دینی یا بددینی تلقی شده، معمولاً همان فرقه‌های افراطی از دیدگاه اجتماعی و سیاسی آن زمان بوده‌اند. این افراط مذهبی، ناظر بر خواست‌های سیاسی - اجتماعی بانیا نشان بود. پیامد این در آمیختگی مذهبی، همیشه این بوده است که مسأله‌ی تحلیل ماهیت خواسته‌های این بنیانگزاران در هاله‌ای از ابهام فرو رود و امکان نظر به سرچشمه‌های شکل‌گیری و بالندگی این فرق از زوایای گوناگون وجود داشته باشد. ظهور دولت ایلخانی فرصت مناسبی برای رهایی فرق شیعه از محدودسازی‌های مذهب رسمی و گسترش قلمرو فرهنگی و جلب نظر اندیشمندان و عامه‌ی مردم به وجود آورد. با توجه به سابقه‌ی برخی از امامان شیعه مانند امام جعفر صادق (ع) و امام محمد باقر (ع) و جایگاه بلند آنها در میان نحله‌های تصوف، عجیب نیست که نزدیکی بیش از پیش میان تشیع و تصوف، محملی برای رشد عقاید غالی بوده باشد.<sup>۷</sup> این فرقه‌های غالی، دوشادوش نهضت‌های متنوع شیعی دیگر به رهبری مرشدان و روحانیانی چون شیخ خلیفه، شیخ حسن جوری و سید قوام‌الدین مرعشی، رهبران فکری و سیاسی قیام سربداران خراسان و مرعشیان مازندران متجلی شده بود. اغلب این

۶ ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش اول (تهران: نشر فردوس، ۱۳۶۶)، ص ۳۸-۳۶.

جنبش‌ها، داعیه عدالت‌خواهی داشتند. این خیزش‌های فکری - مذهبی بر رهبر اولیه فرقه حروفیه موثر افتاد.

در پاسخ به پرسش تقارن زمانی ظهور این فرقه‌ها و دوره‌های فترت و نابسامانی اجتماعی باید گفت که اولاً، نابسامانی اجتماعی نوعی خلاء قدرت ایجاد می‌کرده که در آن فعالیت اینگونه فرق آسان‌تر صورت می‌گرفته است، ثانیاً، به علت مصائب اجتماعی پیش آمده، افراد جامعه به لحاظ معنوی و روانی به دنبال پناهگاهی می‌گشتند و این مأمّن را در سایه اینگونه فرق جستجو می‌کردند تا در این خلوت به بازاندیشی در اندیشه‌های خاص خویش بپردازند. علاوه بر این، می‌توان به نوعی سرکوب دامنه‌دار فرقه‌های بدعت‌گزار در پهنه‌ی ایران اشاره کرد که شاید نخستین بارقه‌های آن را بتوان در سرکوب جنبش‌های مانوی و مزدکی در واپسین سال‌های حکومت ساسانی جستجو کرد.<sup>۸</sup> اشارات معتناهی به تداوم عقاید مزدکی در میان اسماعیلیان و دیگر فرقه‌های باطنی شیعی وجود دارد که فارغ از صحت و سقم آنها، نشانگر نوعی حیات نیمه پنهان این عقاید در جامعه‌ی ایران پس از تثبیت شریعت رسمی اسلام سنی است. در ارتباط با زنده ماندن و تداوم حضور عقاید مزدکی در برخی فرقه‌های باطنی شیعی و وجه انتقالی این فرقه‌ها از واپسین تلاش‌های نومزدکیان در اوایل عصر عباسی، می‌توان به عقاید رایج درباره‌ی نسب عبدالله بن میمون، بنیانگزار فرقه‌ی اسماعیلیه - که گویا یک چشم‌پزشک مزدکی است - و همچنین عقاید قرمطیان بحرین درباره‌ی دشمنی خداوند با اعراب به خاطر قتل امام حسین اشاره کرد. همچنین توسل به ستاره‌شناسی و ارج نهادن به حروف که بعدها از درونمایه‌های

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

---

۸. با توجه به وجود بازماندگان نهضت مزدکی در نقاط پراکنده ایران - حتی تا سده‌های چهارم و پنجم هجری - مطالعه‌ی تطبیقی فرقه‌های بدعت‌گزار در ایران می‌تواند حاوی نکات بسیار ارزشمندی باشد که نتایج موثری در تحلیل تاریخ مذهبی ایران به بار خواهد آورد. تحلیل جنبش مزدک به نحوی بسیار درخشان، در کتاب نسبتاً قدیمی اما پر ارزش پرفسور اوتاگر کلیما، «تاریخ جنبش مزدکیان»، با ترجمه‌ی جهانگیر فکری ارشاد، انتشارات توس، ۱۳۸۶، و قیام‌های فرقه‌های نو مزدکی و مانوی، در رساله‌ی دکتری شادروان استاد «غلامحسین صدیقی» با عنوان Les Mouvements Religieux Iraniens au II<sup>e</sup> et III<sup>e</sup> Siècle de l'hégire مورد تحلیل قرار گرفته است.

بدعت بایبه است، در آیین مزدکی و بعدها در آیین «دروزی» - از انشعابات اسماعیلیه - حضور و بروز دارد.<sup>۹</sup>

فرقه‌های مذهبی، در سرزمین ایران همیشه بار توقعات و خواست‌های گوناگون توده‌های مردم را بر دوش می‌کشیده‌اند؛ توقعات و خواسته‌هایی که می‌توانستند دامنه‌ی وسیعی از امکانات بازننگری مالیاتی تا نارضایی‌های صنفی و سیاسی را در بر داشته باشند. یکی از این فرقه‌ها، فرقه «حروفیه» است که به دست فضل‌الله حروفی پدید آمد و در مدت کوتاهی، از شمال خراسان و حاشیه دریای مازندران تا فارس و اصفهان و از آذربایجان تا عراق و سوریه و آناتولی پیروانی یافت.<sup>۱۰</sup>

فرقه‌های مذهبی در نخستین اوان نشو و نمای خود، عمدتاً برآمده از نوعی وجهه‌ی کاریزماتیک هستند که گروندگان و مریدان را به سوی مرشدان و بنیانگزاران آنها سوق می‌دهند. فضل‌الله نعیمی استرآبادی نیز از این قاعده مستثنی نیست. وی به «حلالخور» شهره بود، لقبی که حکایت از زهد و تقوای او می‌کرد. شغل او طاقیه‌دوزی بوده است، نوعی کلاه که فضل‌الله بابت دوختن آن مزد می‌گرفت و اینچنین از عرق جبین روزی می‌گذراند. فضل‌الله هم مانند برخی دیگر از مشایخ صوفیه مریدانی دارد که برخی از آنها مانند «علی الاعلی»، گسترش دهندگان دعوت وی در آینده‌ی نه چندان دور هستند؛ اما شخصیت وی با شخصیت‌هایی چون «ابوسعید ابوالخیر» و «شیخ احمد جام» که موقعیت روحانی خود را وسیله‌ای برای اثبات برتری بر مخالفان قرار می‌دادند یا با استفاده از امکانات دنیوی تلاش می‌کردند از زندگی مرفه‌ی در خانقاه برخوردار باشند، متفاوت است. او تا پایان زندگی همچنان به طریقه‌ی زهد و دوری از دنیا وفادار ماند. دو بار به حج عازم شد و مدت‌های مدیدی در اصفهان به تبلیغ و جلب مریدان پرداخت که چهار تن محارم او در همین دوران به وی پیوستند. «علی الاعلی»، «مجدالدین استرآبادی»، «کمال الدین سنایی» و «محمود» که چهار محرم فضل بوده‌اند.

---

۹. درباره‌ی ارتباط و پیوستن بقایای نقطویان به عنوان یکی از فرق بدعتگزار و تداوم اندیشه‌های غالی و مربوط به نقش حروف نگاه کنید به مجموعه مقالات علی رضا ذکاوتی قره‌گزلو که در قالب کتابی با عنوان جنبش نقطویه، نشر ادیان، ۱۳۸۳، چاپ گردیده است.

۱۰. حسین میرجعفری، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، ویرایش دوم (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹)، ص ۲۰۷-۲۰۰.

در مورد نام و محل تولد فضل‌الله اختلاف نظر وجود دارد. قدیمترین منبع غیرحروفی که از سید فضل‌الله نعیمی یاد کرده، شرح تقی الدین مقریزی در کتاب *العقود الفریده فی تراجم الاعیان المفیده* می‌باشد.<sup>۱۱</sup> نویسنده این کتاب، هم‌عصر فضل‌الله بوده و در زمان قتل او (سال ۷۹۶ قمری)، سی سال داشته است. عین این شرح، در کتاب *الضوء الامع لاهل القرن التاسع* شمس‌الدین محمد سخاوی نقل شده است، با این تفاوت که زمان قتل او را سال ۸۰۴ قمری نوشته است.<sup>۱۲</sup> فضل‌الله استرآبادی، ایرانی و نام او عبدالرحمن بود، از دانش‌های زمان خود و فنون ادبی بهره داشت. گفته شده که نسبتش به علی بن ابیطالب می‌رسیده است. برخی او را تبریزی<sup>۱۳</sup> و برخی مشهدی<sup>۱۴</sup> و اغلب استرآبادی<sup>۱۵</sup> می‌دانند. شاید به دلیل مسافرت‌های زیادی که به مشهد یا دیگر شهرهای خراسان داشته، او را مشهدی الاصل دانسته‌اند. برخی نیز به علت سال‌های بسیاری که در تبریز مقیم بوده، او را تبریزی خوانده‌اند. اما او در کتاب *نومنامه*، خودش را استرآبادی نامیده و استرآباد را با بلدالامین قرآن هم ردیف دانسته و همچنین اغلب آثار نظم و نثر خود را به لهجه استرآبادی نگاشته است. احتمالاً علت ابهام در خصوص زادگاه وی مسافرت‌های زیادی است که او انجام داده است.<sup>۱۶</sup>

براساس منابع حروفیان، فضل‌الله در استرآباد و در خانواده‌ای صوفی مشرب پرورش یافته است. پدرش قاضی القضاة استرآباد بود و در همان اوایل کودکی او از دنیا رفت. دوران نوجوانی فضل‌الله با حکومت طغاتی‌مورخان و آغاز قیام سربرداران هم‌زمان بود. شیوه تربیت خانوادگی و اوضاع اجتماعی، موجب رشد گرایش‌های صوفیانه در او شد. نصر الله بن حسنعلی بن مجد الدین حسن نافجی، از یاران و شاگردان فضل‌الله در تقریری از نخستین سال‌های زندگانی او یادآور می‌شود که او روزی در بازار استرآباد این بیت مولانا را از زبان درویشی شنید:

۱۱. تقی الدین مقریزی، *العقود الفریده فی تراجم الاعیان المفیده*، (قم: انتشارات دارالحدیث، بی‌تا)، ص ۲۱۴.

۱۲. شمس‌الدین محمد سخاوی، *الضوء الامع القرن التاسع*، جزء السادس (بیروت، دارالمکتبه، ۱۹۷۱)، ص ۱۷۴.

۱۳. ابن حجر عسقلانی، *انباء العمر بانباء العمر*، تعلیقات دکتر حسن حبشی، جزء الثانی (حیدرآباد دکن:

بی‌نا، ۱۳۹۲ق)، ص ۲۱۹-۱۷۳.

۱۴. رضاقلی‌خان هدایت، *ریاض العارفین*، به کوشش محمدعلی گرگانی (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۵)، ص ۴-۳۵۲؛

محمدعلی مدرس تبریزی، *ریحانه الادب*، ج ۶ (تبریز، چاپخانه شفق، بی‌تا)، ص ۲۱۸ و ۲۲۰.

۱۵. صادق کیا، *واژه‌نامه گرگانی* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰)، ص ۲۹۲.

۱۶. نصرالله نافجی، *خوابنامه*، نسخه خطی نسخه خطی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران؛ هلموت ریتز، *آغاز*

*فرقه‌ی حروفیه*، ترجمه‌ی حشمت موید، ج ۲ (تهران: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۱۳۴-۱۳۳.



از مرگ چه اندیشی چون جان بقا داری / در گور کجا گنجی چون خدا داری<sup>۱۷</sup>  
و این خود مقدمه شوریدگی و رهایی از قید و بندهای مادی و خلوت‌گزینی در فضل‌الله شد. این دوران رهایی از علایق دنیوی، در بر دارنده‌ی رویاهای عرفانی مکاشفه‌گونه‌ای بود که او بعدها آن رویاها را تحت عنوان *نومنامه* با گویش استرآبادی به نگارش درآورد. پس از آن فضل‌الله به قصد سیر آفاق و انفس و از برای گشادگی اندیشه و دیدن جهان و فرو رفتن در عمق دردهای مردم و رستن از خود، سفرهای خود را به نقاط مختلف از جمله اصفهان، خراسان، خوارزم، تبریز و زیارت خانه خدا آغاز کرد.<sup>۱۸</sup>

در همان تبریز در سال ۷۷۸ قمری، فضل‌الله حروفی اعلام کرد که حق بر او تجلی کرده و اسرار و حقایق در نظرش آشکار شده است. این رخداد در اوآن چهل سالگی او به وقوع پیوسته است. اگر سال تولد او که در ۷۴۰ قمری است را در نظر بگیریم، با توجه به اقامت دو ساله‌ی او در تبریز از سال ۷۷۶ تا ۷۷۸ قمری، می‌توان حدس زد که او شاید در اعلام دعوت خود به سن چهل سالگی که مظهر کمال مردانه در روایات مذهبی و سنت تعبیر اسطوره‌ای اسلامی است، نظر داشته است. آشکار شدن دعوی او در سال ۷۷۸ قمری، از اشعاری قابل فهم است که خلیفه‌ی او «علی الاعلی» در کرسی‌نامه آورده است:

هست با سبع المثنائی بیست و یک / از حروف کردگار و نیست شک

چون ز فضل اسرار قرآن فاش گشت / بود هجرت هفتصد و هفتاد و هشت<sup>۱۹</sup>  
بنا به قولی، داعیه فضل‌الله به جایی رسید که تیمورلنگ را به مسلک خود دعوت کرد. تیمور از این گستاخی او برآشفت و دستور قتل او را به پسرش میرانشاه، حاکم نواحی غرب ایران صادر کرد. پس او را در قلعه النجه (النجق) شروان زندانی و در همانجا در سال ۷۹۶ یا به قولی ۸۰۴ قمری به قتل رساندند.<sup>۲۰</sup> هر چند برخی دیگر از منابع، النجق تبریز گفته‌اند.<sup>۲۱</sup> اما فضل‌الله در نامه‌ای در زندان شروان، با این دو بیت از بی‌وفایی مردم این شهر و از وضع خود سخن گفته است که مؤید النجق شروان است:

---

۱۷. ریترو، ص ۳۳۳-۳۳۴.

۱۸. همانجا.

۱۹. کرسی‌نامه‌ی خطی به نقل از صادق کیا، *واژه‌نامه گرگانی* (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰).

۲۰. عسقلانی، ص ۲۱۹.

۲۱. فضل‌الله بن روزبهان خنجی، *مهمان‌نامه بخارا* (تهران: سمت، ۱۳۷۵)، ص ۱۲۲.

در همه عمرم مرا یک دوست در شروان نبود / دوست کی باشد کجا ای کاش بودی آشنا  
 من حسین وقت و نا اهلان یزید و شمر من / روزگارم جمله عاشورا و شروان کربلا<sup>۲۲</sup>  
 شاید تیمور به این علت که فقیهان سمرقند، فضل‌الله را تکفیر و تیمور را به قتل او  
 تحریک کرده بودند، دعوتش را نپذیرفت. شاید هم ارتباط فضل‌الله با بعضی از عناصر منسوب به  
 پیروان سربداران سبزواری و تحریکاتی که اینان علیه حکام و علمای متنفذ وقت می‌کردند، تیمور  
 را در لزوم اجرای حکم اعدام او مصمم نمود. اگرچه تیمور قطعاً در قتل فضل‌الله دخالت مستقیم  
 داشته است، اما این میرانشاه است که در سنت حروفی جایگاه «جبار عنید» را به خود اختصاص  
 داده است که «ملعون ابدی» است. این چند بیت که گویا اشاره به تیمور و پسرش میرانشاه دارد،  
 نشان دهنده موضع یاران فضل‌الله پس از مرگ وی و به طور کلی مخالفت با ظلم و جور تیمور  
 و فرزندان اوست:

شرق و غرب از فتنه‌ی یاجود چون شد پر فساد / ت وی و م و و ر قد کان جباراً عنید  
 خوک و خرس و دیو و دد، ملعون و مطرود و نجس / بدفعال و بدسیر، بدبخت و مردار پلید  
 مستحق لعنت حق، مشرک ملعون سگ / آنکه نامش بود، میرانشاه شیطان مرید  
 این چند بیت احتمالاً حاکی از نافرجام ماندن نخستین تلاش‌های فضل‌الله برای عرضه‌ی  
 دعوت خود به تیمور و پسرش میرانشاه است که بر اثر تحریکات فقه‌های متشرع نهایتاً منجر به  
 اعدام فضل‌الله بر اثر دعاوی بدعت‌گزارانه‌اش شده است. گویا فضل‌الله پیش از مرگ، در زندان یا  
 در راه زندان، وصیت‌نامه‌ای نوشت که مبین نگرانی بیش از اندازه او نسبت به فرزندانش بوده  
 است.<sup>۲۳</sup>

در پایان این قسمت، اجمالاً با توجه به شرایط اجتماعی و مذهبی فضل‌الله می‌توان گفت  
 سه عامل موجب اشاعه سریع افکار وی را تسهیل کرد:  
 (۱) سید بودن او که وجهه‌ای برای وی به همراه آورد.  
 (۲) تمایلات صوفیانه وی که نوعی همنوایی با جامعه عصرش بود.  
 (۳) تبحر وی در تعبیر خواب که بسیاری از دولتمردان و متنفذان در جامعه را پیرو او ساخت.  
 اما در نهایت هیات حاکمه و علما، افکار وی را به لحاظ سیاسی و دینی خطرناک تشخیص داده،  
 و به حذف او مبادرت ورزیدند.

۲۲. لغتنامه‌ی دهخدا، شماره‌ی ۴۸، ص ۴۸۰.

۲۳. فضل‌الله حروفی، وصیت‌نامه (نشریه شرقیات، ۱۳۴۶)، ص ۵۵.

## آثار فضل‌الله استرآبادی

فضل‌الله در طول حیات خود تالیفاتی داشته که مهمترین آنها به قرار ذیل می‌باشند:

۱. *جاویدان کبیر*: این کتاب تفسیری است بر قرآن با آوردن سخنانی از پیامبر و گاهی انجیل، که قسمتی به عربی، قسمتی به فارسی و بخشی نیز به لهجه استرآبادی نوشته شده و شامل تأویل‌های فضل‌الله از آیات قرآن است. این کتاب اکنون نیز در میان بکتاشیان جزء کتب مقدس به شمار می‌آید.

۲. *مثنوی عرشنامه*: به زبان فارسی سروده شده و شامل ۱۱۲۰ بیت است.

۳. *نومنامه*: که فضل‌الله در آن خواب‌های خود را آورده است.

۴. *اشعار فضل‌الله*

۵. *منظومه فارسی/نفس و آفاق*

۶. *محبت‌نامه* (برخی این کتاب را به علی‌الاعلی منتسب می‌کنند).

در کتب حروفیه و آثار خود او، این نام‌ها و القاب نیز برای او دیده می‌شود: مسیح، صاحب ولایت، قائم آل محمد، خاتم اولیا، خاتم ثانی، شهید یا شهید محمد، صاحب بیان، صاحب، صاحب تأویل، مظهر کلام قدیم، ذبح عظیم، شهید اعلا، عز فضل و جل عزه و غیره. از این القاب می‌توان به اعتقاد به مهدی بودن فضل‌الله و حتی خدا انگاشتن او پی برد.

## شاگردان فضل‌الله

براساس روایت عزالدین فرشته (یکی از پیروان فضل‌الله)، فضل‌الله نُه خلیفه برای خود قرار داده بود که چهار تن از آنها محرم اسرار او بودند که برخی از آنها احتمالاً دختران فضل‌الله را به همسری نیز برگزیده بودند:<sup>۲۴</sup>

محرم خلوت سرای همدمی / مجد و محمود و کمال هاشمی

بوالحسن دان چار او را بازیاب / چون وصیت کرد گفت اینک کتاب<sup>۲۵</sup>

معین‌الدین ابوالحسن اصفهانی، ملقب به علی‌الاعلی، یکی از مهمترین مریدان و جانشینان فضل‌الله بود. علی‌الاعلی در اصفهان با فضل‌الله آشنا شده و در هنگام قتل او، ۴۲ سال داشته

۲۴. تربیت، ص ۳۸۷.

۲۵. نافجی، *خو/نامه*، ص ۵۳.

است. علی‌الاعلی پیش از عزیمت به آناتولی، به سوریه و فلسطین رفت و سپس دست‌نوشته‌های حروفی و کتاب کلام الحق را به استانبول فرستاد. از دیگر یاران فضل‌الله، عمادالدین نسیمی است که احتمالاً در بغداد به دنیا آمده است. در هشتصد و بیست یا هشتصد و بیست و یک در حلب کشته شد. عزالدین عبدالمجید بن فرشته هم در آناتولی یکی از مروجان فرقه‌ی حروفی است. او بیشتر به عنوان مترجم آثار فضل‌الله به ترکی مشهور است، از جمله برگردان *جاودان‌نامه* به ترکی. با مرگ فضل، پیروانش ضربه شدیدی خوردند، ولی از تکاپو نیفتادند. آنها در تمام سرزمین‌های اسلامی، به ترویج مسلک حروفی پرداختند و برای او روضه‌خوانی و نوحه‌سرایی کردند. آنها کینه شدیدی نسبت به میرانشاه پیدا کرده، او را به نام‌های «ماران‌شاه، دجال، مارشاه، دیوزاد و لعین» می‌خواندند.<sup>۲۶</sup> دیگر پیروان اولیه فضل که پس از مرگ او، در اشاعه افکار حروفیه در شهرهای مختلف کوشیدند عبارتند از: خواجه سید اسحاق، درویش حسام‌الدین، درویش امیرعلی کیوان، درویش صدر ضیاء. برخی از اینان برای تبلیغ تعالیم حروفی، به خارج از ایران نیز رفتند. غیر از این عده، خانواده فضل‌الله نیز به تبلیغ افکار و مسلک حروفی پرداختند.<sup>۲۷</sup>

### عقاید حروفیه

اصول عقاید حروفیه، در کتاب *محرم‌نامه* (۸۲۸ قمری) مسطور است. آنان عالم را قدیم می‌دانند که از دوران ازلی همواره در حرکت می‌باشد و تغییرات عالم معلول همان حرکت است. ظهور آدم در آغاز عالم و قیامت تکرار می‌گردد. خدا در شخص انسان متجلی می‌شود. حضرت محمد (ص) آخرین پیامبران است و بعد از او نوبت به ائمه و اولیاء می‌رسد که فضل‌الله خود خاتم اولیاء است، ولی خود را سرآغاز دوری جدید و مظهر الوهیت می‌داند. امامت با حضرت علی (ع) آغاز و با امام حسن عسگری خاتمه می‌یابد. الوهیت با ظهور فضل‌الله شروع می‌شود که بنا به اعتقاد خودش مهدی است. فضل‌الله، آخرین ظهور است. او با تصدیق امامت، شدیداً تحت تاثیر تشیع بود. فضل‌الله در تعالیم خود، عناصر سامی، علوی و هندی را با روح تأویل‌گر ایرانی درآمیخت و در کسوت مهدی علوی ظاهر شد، تا مظلومان را از استیلا بیگانگان ستمگر برهاند. ادعای مهدی بودن او، متضمن مبارزه علیه بی‌عدالتی بود. یکی از موارد تضاد میان فضل‌الله و هیأت حاکمه،

۲۶. سخاوی، ص ۱۷۴.

۲۷. محمد جواد مشکور، «فتنه حروفیه در تبریز»، بررسی‌های تاریخی (سال چهارم، شماره چهارم، ۱۳۴۸)، ص

همین مسأله است. بعضی گفته‌اند که فضل کوشیده است تا حاکمیت ایرانی را به جای حاکمیت عربی بنشانند.<sup>۲۸</sup> اما باید توجه داشت که در این زمان اعراب تسلطی بر ایران نداشتند، مگر منظور آیین یا مذهب آنان (اسلام سنی) بوده باشد.

بنابر عقیده فضل‌الله، انسان بر سایر موجودات به واسطه قوه ناطقه امتیاز دارد و آن را به وسیله ۲۸ حرف الفبا به تحریر می‌آورد. تعبیر معانی، با حروف و اصوات در دو قالب ریخته شده است: اول قالب حروف عربی که ۲۸ حرف و زبان قرآن و زبان حضرت محمد (ص) است؛ و دوم حروف فارسی که ۳۲ حرف است و جاودان نامه فضل‌الله با این حروف می‌باشد. فضل‌الله به تبیین تمام مظاهر آشکار و پنهان جهان، با ۲۸ حرف عربی و ۳۲ حرف فارسی پرداخت. پیروان او بعدها نظر او را گسترش دادند و حتی گفتند، نخست در دهان انسان ۲۸ دندان می‌روید که برابر حروف عربی است و قرآن بدان نازل شده و سپس به ۳۲ دندان افزایش می‌یابد که برابر حروف فارسی و معادل کلمه «الله» است. آنان برای حساب جمل، که از ارزش عددی این حروف استخراج می‌شود، تاثیرات عظیم قائل هستند و ظاهراً این حساب حروف و اعداد را از فرقه اسماعیلیه و باطنیه اقتباس کرده‌اند. همچنین حروف الفبا را طبقه‌بندی خاصی می‌کنند و معتقدند که خطوط سیما و صورت هفت خط است. وقتی این خطوط هفتگانه را در عدد چهار که شماره عناصر اربعه است، ضرب کنند، حاصل آن ۲۸ می‌شود که مساوی با عدد حروف الفباست.<sup>۲۹</sup> اساساً تاکید حروفیه بر الفبا و تعداد حروف، نشان می‌دهد که مخاطبان خاص این فرقه، افراد باسواد شهری بوده‌اند و عامه بی‌سواد از درک مفاهیم این آراء عاجز بوده‌اند، و این شاید یکی از علل ناکامی این فرقه در پیش برد اهداف سیاسی‌شان بوده باشد. برخلاف صفویه، که پیش از دست‌یابی به تخت و تاج، هم خود را بر جذب نیروهای ساده‌دل ایلی و دادن تعالیم زود فهم به آنها قرار دادند. حروفیه، برخلاف سایر درویش، ورد یا ذکر نمی‌دارند و از آداب ایشان این است که هر بامداد در خانه رئیس روحانی که او را بابا می‌گویند، اجتماع می‌کنند و با اعتراف نزد او، از او مغفرت می‌خواهند.<sup>۳۰</sup>

---

۲۸. زهرا بیگم جوادی‌زاده، «زندگی نامه فضل‌الله نعمیمی و جنبش حروفیه، رهبر جنبش حروفیه»، مجله پژوهشی در خرد (سال اول شماره ۲)، ص ۶۱-۵۳.

۲۹. میرجعفری، ص ۲۰۵.

۳۰. ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران، ج ۳، ترجمه علی اصغر حکمت (تهران: شرکت چاپ و نشر بانک ملی، سال

۱۳۷۲)، ص ۵۰۵-۵۰۷.

اعتقاد به تقدس حروف، در زمان‌های پیش از شهرت فضل‌الله نیز رواج داشته است. از جمله می‌توان به فرقه‌های بیانیه و مغیریه (قرن دوم هجری) اشاره کرد.<sup>۳۱</sup> بیانیه، دسته‌ای از «حلولیه» بودند که معتقد بودند، روح خداوند از طریق تناسخ در انبیا و ائمه گشته تا به ابوهاشم عبدالله بن محمد حنیفه و از او به بیان بن سمعان موسس این فرقه رسید. همچنین فرقه مغیریه، اتباع مغیره ابن سعید العجلی بودند که به مهدویت محمد بن عبدالله بن حسن علی اعتقاد داشتند. وی به «تشبیه» اعتقاد داشت و اعضای خداوند را به حروف هجا، تشبیه می‌کرد. فضل‌الله و پیروانش، از این جهت نام حروفیه را برگزیدند که تعالیم‌شان، براساس تأویل از حروف مقطعه قرآن پایه‌گذاری شد و سپس به صورت خواسته‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی شکل گرفت. فضل‌الله با مطالعه دقیق در علم حروف و با تفکر در آثار ابن عربی که او نیز برای حروف اهمیت خاصی قائل بود، به ادبیات فارسی و عربی مسلط شد. وی از اعتقادات روزگار خود که شامل مسیحیت، یهودیت، اسلام و تصوف اسلامی بود، آگاهی داشت و با تلفیق این معارف، مسلک جدیدی به وجود آورد. او ادعا می‌کرد که احیاء کننده اسلام در قرن نهم است و شعار او تعالی بخشیدن به انسان و رساندن او به مقام الوهیت است. در اینجا ما شاهد بیان مجدد آن عقیده‌ایم که می‌گوید، در راس هر صد سال برای دین، مجددی می‌آید که البته با اعدام فضل‌الله پیش از آغاز قرن نهم، این ادعای حروفیه محقق نشد. از جهت تفکر و تعقل نیز حروفیه، باطن‌گرایی بودند که همچون اسماعیلیه و غلات به تأویل می‌پرداختند. حروفیه، اساس شناخت را در لفظ می‌دانستند، زیرا خدا محسوس نیست و معتقد بودند، ارتباط میان خالق و مخلوق جز از راه لفظ صورت نمی‌گیرد. به باور حروفیه، تعبیر معانی با حروف و اصوات، در دو قالب عربی - که زبان قرآن است - و فارسی صورت می‌گیرد.<sup>۳۲</sup>

فضل‌الله در تعالیم خود، مقام نخست را به زبان فارسی می‌داد و کلمات را به عربی ترجیح می‌داد. جنبه مهم اعتقادات حروفیان، ارزش گذاشتن به مقام انسان بود. فضل‌الله و پیروان او، زندگی مرفه خود را رها می‌کردند و برای کسب معرفت و آگاهی، دست به تجربه زندگی معمولی می‌زدند. اشتغال آنان به پیشه‌های مختلف و اهمیت کار انسانی نزد آنان، موجب ارتباط نزدیک با پیشه‌وران و صنوف مختلف و اهمیت کار انسانی، موجب ارتباط نزدیک با پیشه‌وران و صنوف مختلف شد. این عامل نیز باعث شد که گروندگان به این فرقه، بیشتر از جامعه شهری باشند.

۳۱. ابومنصور عبدالقاهر طاهر التیمی البغدادی، *اصول الدین*، ج ۱ (بیروت: بی‌نا، ۱۳۴۶)، ص ۳۳۱.

۳۲. ریتز، ص ۱۵ - ۱۰.

حروفیان، در تمام مناطقی که بودند، سعی در نفوذ در دستگاه حاکمه داشتند، تا بتوانند حکومت خاصی با دیدگاه‌های خود برپا دارند. آنها در شهرهایی نظیر اصفهان، هرات و تبریز نیز دست به قیام‌هایی زدند که حاکمان با فتوای علمای دینی و کشتار آنان موفق به دفع قیام‌هایشان شدند.<sup>۳۳</sup>

## ادبیات حروفیه

کتاب‌های زیادی از فرقه حروفیه در کتابخانه‌های دنیا موجود می‌باشد که در تبیین عقاید و آرای خود نوشته‌اند. به عنوان مثال، علی الاعلی آثار بسیار زیادی نوشته که در ترویج و نشر افکار حروفی بسیار موثر بوده است. برخی از آنها عبارتند از *کرسی‌نامه*، *بشارت‌نامه*، *توصیه‌نامه*، *قیامت‌نامه* و *محشرنامه*. نخستین آثار حروفیه، به زبان فارسی است، اما بعد از کشتار آنان در ایران و مهاجرت بازماندگانشان به قلمرو عثمانی، کتاب‌های این فرقه، به تناسب زبان مخاطبانشان، به ترکی نوشته شد. البته این کتب، از دیدگاه مطالعه و تحقیق در باب عقایدشان سودمند است و از نظر هنری و ادبی دارای برجستگی خاصی نیست. مثلاً اشعار فضل‌الله و مرید شاعرش نسیمی، در حد متوسطی از نوشته‌های هنری است. همچنین از کسانی چون سید شریف، رفیعی، علی الاعلی، درویش مسافری و دیگران نیز اشعاری برجا مانده که از لحاظ ادبی به پایه اشعار فضل و نسیمی نمی‌رسند. علاوه بر این، از کسانی چون نسیمی، رفیعی، ندیمی، گلشنی، گل بابا، کلیمی، عرشی، محیطی و دیگران نیز اشعاری به زبان ترکی به جا مانده است.<sup>۳۴</sup> لازم به ذکر است که از میان شاعران برجسته ایران که در حد فاصل حافظ و جامی در ادب این سرزمین به ظهور رسید، «قاسم انوار» می‌باشد که علت اشتهارش، سرودن اشعار لطیف عرفانی و انتسابش به دو فرقه صفویه و حروفیه است.<sup>۳۵</sup>

پس از قتل فضل‌الله، حروفیان تصمیم به قتل شاهرخ تیموری گرفتند و نقشه آنان توسط شخصی به نام احمد لرا اجرا شد<sup>۳۶</sup> که البته این نخستین اقدام مسلحانه حروفیه در تاریخ بود

۳۳. میرجعفری، ص ۲۰۲-۲۰۰.

۳۴. براون، ص ۲۴۶، ۲۵۴.

۳۵. فریده حمیدی، «حروفیه در تاریخ»، مجله فرهنگ و توسعه (شماره ۶، ۱۳۷۶)، ص ۷۶-۷۵.

۳۶. غیاث الدین بن همام الدین خواندمیر، *تاریخ حبیب السیرفی اخبار افراد بشر*، ج ۳ (تهران: خیام، ۱۳۶۲)، ص

(سال ۸۳۰ قمری). با عقیم ماندن این نقشه، حروفیان در خراسان قلع و قمع شدند. پس از آن، افراد زیادی دستگیر و زندانی و یا مورد شکنجه، تبعید و آزار و اذیت قرار گرفتند. از جمله این افراد، قاسم انوار بود. این واقعه، نام او را با نهضت حروفیه درآمیخت. به گونه‌ای که هر زمان سخن از فرقه حروفیه به میان می‌آید، از قاسم انوار نیز یاد می‌شود. اما این سوال نیز مطرح می‌شود که آیا واقعا او حروفی بود؟ شاید واقعه احمد لر، سبب شد که درباریان تیمور برای تصفیه حساب‌های شخصی و یا علل دیگر، به خیلی‌ها و از جمله او تهمت حروفی بزنند و با این ترفند، آنها را از میان بردارند یا وادار به ترک وطن کنند.

در خصوص انتساب قاسم انوار به فرقه حروفیه دو قول مشهور وجود دارد. بنابر نظر استاد زرین کوب، علت وجود سخنانی با اقوال و الفاظ حروفی در آثار انوار، اعتقاد او به فرقه حروفیه نیست، بلکه این، الفاظ و رموز اشتراکات کلیه فرقه‌های صوفیه است.<sup>۳۷</sup> مولوی‌شناس ترکیه، استاد گولپینارلی نیز معتقد است که توجه قاسم انوار به فضل حروفی و پایبندی او به این فرقه معلوم نیست، زیرا در دیوان او هیچ اثری در ستایش و تبلیغ این فرقه وجود ندارد. ظهور نام او در آثار حروفی، به این علت است که حروفیان به منظور جلب مردم به سوی خود، از نام او به عنوان مردی بزرگ و شهیر استفاده می‌کردند.<sup>۳۸</sup> با وجود این، در این خصوص نباید نکاتی را از نظر دور داشت:

۱. اینکه در آثار انوار چندان نشانه‌ای از حروفی بودن او مشاهده نمی‌شود، شاید بدینگونه قابل توجیه باشد که وقتی شاعری در دارالحکومه تیموری زندگی می‌کند، به دلیل مسائل امنیتی کمتر به صراحت در خصوص عقاید و ستایش این فرقه سخن می‌گوید.
۲. از میان بزرگان تصوف، حلاج و بایزید بسطامی بیشترین تاثیر را براندیشه‌ها و تفکرات حروفیه داشته‌اند. در آثار پیروان حروفیه از این دو نفر با تکریم و احترام فراوان یاد شده است. قابل توجه آنکه، قاسم انوار نیز از این بزرگان با احترام فوق العاده‌ای در مضامین اشعار خود یاد کرده است.
۳. زهد و عزلت‌گزینی، مناعت طبع و حلال خوری و کوشش قاسم انوار در جلب حمایت حاکمان، یادآور منش و رفتار فضل‌الله استرآبادی است.

۳۷. عبدالحسین زرین کوب، دنباله جستجو در تصوف/یران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲)، ص ۸۹.

۳۸. عبدالباقی گولپینارلی، تصوف در یکصد پرسش و پاسخ، ترجمه هاشم صبحانی (تهران: نشر کتاب،

۱۳۸۱)؛ حبیب عباسی، «از شاعری تا شوریدگی»، جهان کتاب (سال چهارم، ۱۳۷۹)، ص ۷ و ۸.



۴. شباهت عجیب بین تعالیم حروفیه مانند یگانگی اسم و مسمی، اتحاد مظهر و مظهر و اعتقاد به کَنز مخفی با آرای شاعر در این زمینه.
۵. ذکر نام قاسم انوار در آثار معتبر حروفیه نظیر *استوانامه* غیاث الدین محمد، خواهرزاده علی الاعلی.
- در هر صورت به طور قطع نمی‌توان در خصوص حروفی بودن یا نبودن قاسم انوار حکم داد.

### عمادالدین نسیمی شاعر بزرگ فارسی و ترکی سرای حروفی

نسیمی از شاعران قرن هشتم و نهم است که در جوانی در جرگه مریدان فضل الله درآمد و در سفرها همیشه یار و همراه او بود. او از شجاع‌ترین پیروان فضل به شمار می‌آمد. برخی وی را اهل شیراز، عده‌ای اهل نسیم بغداد و عده‌ای دیگر، اهل شروان دانسته‌اند. علاوه بر رابطه روحانی و معنوی، رابطه سببی نیز با مراد خود برقرار کرد و دختر او را به همسری گرفت. او عقاید و افکار خود را در اشعاری شورانگیز به زبان ترکی و فارسی بیان کرده است.<sup>۳۹</sup> ادوارد بروان، محل قتل او را در حَلَب در سال ۸۲۰ قمری نوشته است. شواهد تاریخی هم محل قتل او را در حلب و بنا به فتوای فقهای آنجا نشان می‌دهد. گویا به امر مؤید السلطان، امیر حلب، پوست او را زنده زنده کردند و هفت شبانه روز در معرض تماشای عموم گذاشتند. بنا به نقل کتاب *حروفیه در تاریخ*، نسیمی در آخرین لحظات زندگی که به خاطر خونریزی بیش از حد رنگش زرد شده بود، در پاسخ به جالادان که از او پرسیده بودند چرا رنگش پریده، این بیات را فی البداهه سروده است:

آن دم که اجل موکل مرد شود  
آهم چو دم سحر گهی سرد شود  
خورشید که پردلتر از آن چیزی نیست  
در وقت فرو شدن رخس زرد شود<sup>۴۰</sup>

لازم است به وجود دو شاعر حروفی دیگر به نام‌های رفیعی و تمنایی نیز اشاره شود. اولی، شاگرد و مرید نسیمی بود و از او دیوان *بشارت‌نامه* به زبان ترکی به جا مانده است. این کتاب از *جاویدان* کبیر فضل‌الله الهام گرفته شده است. دومین شاعر، در زمان سلطان بایزید اول عثمانی،

۳۹. یعقوب آژند، *حروفیه در تاریخ* (تهران: نشر نی، ۱۳۶۹)، ص ۱۱۶.

۴۰. حسن بیگ روملو، *احسن التواریخ*، ج ۱ (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹)، ص ۲۱-۱۱.

محکوم به قتل و سوختن گردید.<sup>۴۱</sup> هرچند جنبش حروفی از استحکام ادبی شایانی برخوردار نیست، با وجود این، این آثار موجب نشر افکار و عقاید حروفی در ایران و عثمانی شد.

## زنان و جنبش حروفیه

غیاث الدین محمد در *استوانامه* در خصوص فرزندان فضل‌الله، از دو پسر به نام‌های امیر سلام الله و امیر کلام الله و دو دختر به نام‌های بی‌بی فاتحه الکتاب و بی‌بی ام الکتاب یاد می‌کند.<sup>۴۲</sup> یعقوب آژند، فرزندان او را چهار دختر به نام‌های فاطمه خاتون، بی‌بی خاتون، ام الکتاب و فاتحه الکتاب و دو پسر به نام‌های سلام الله و نورالله دانسته است.<sup>۴۳</sup> سید اسحاق در کتاب *محرم‌نامه* از دختری به نام کلمه الله هی العلیا به عنوان جانشین فضل‌الله حروفی یاد کرده است.<sup>۴۴</sup> فضل‌الله در وصیت‌نامه‌اش، او را قائم مقام و وصی و وکیل همه فرزندان خود قرار داده است. احتمالاً در مورد همین دختر است که گفته می‌شود در زمان جهان‌شاه قراقویونلوها (۸۷۲ - ۸۳۹ قمری) در تبریز به تبلیغ فرقه حروفیه مشغول بود و او را به همراه ۵۰۰ تن دیگر کشتند. گویا چهار دختر فضل‌الله هر کدام همسر یکی از خلفا و پیروان اولیه فضل یعنی نسیمی، علی الاعلی، مولانا مجدالدین و سید اسحاق بوده‌اند و مانند همسران خود با آگاهی و اعتقاد به تعالیم حروفیه به تبلیغ آن در مناطق مختلف می‌پرداختند. ظاهراً کلمه الله هی العلیا که احتمالاً دختر بزرگ فضل‌الله بوده، زنی با درایت بود، که فضل‌الله او را جانشین خود قرار داده است. همچنین او شاعری توانا بود.

پیداست که به جز دختران فضل‌الله، زنان دیگری نیز در بین حروفیان حضور داشتند که در زمینه تبلیغ و گسترش آن فعالیت می‌کرده‌اند. مثلاً در شهر برلیس (?) یکی از مراکز حروفیان بعد از فضل، درویش حسام الدین به اتفاق مادرش رهبری حروفیه را برعهده داشتند. در هر

۴۱. مدرس تبریزی، ص ۱۹۳.

۴۲. غیاث‌الدین محمد استرآبادی، *استوانامه*، نسخه خطی، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (ش ۱۰۲،

سال ۱۸۴۶ق)، ص ۲۷.

۴۳. آژند، ص ۹۹.

۴۴. سید اسحاق حروفی، *محرم‌نامه*، نسخه خطی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ص ۱۹.

صورت، چنین به نظر می‌رسد که وجود افکار انسان‌گرایانه در تعالیم حروفیه، باعث شد که زنان در آن وارد شده و به حضوری موثر، هم‌فکری و فعالیت بپردازند.<sup>۴۵</sup>

## نتیجه‌گیری

فرقه حروفیه در یکی از دوره‌های گذار در تاریخ ایران پدید آمد. به لحاظ سیاسی گذار از ایران چند دولتی، پس از ایلخانان به ایران متحد عصر صفوی، به لحاظ فرهنگی از ایران غالباً سنی، به ایران شیعی و به لحاظ اجتماعی نیز گذار از ایران پر آشوب و جنگ دوره تیموری و ترکمانان به ایران نسبتاً با ثبات عصر صفوی. از نظر بین‌المللی نیز این دوره، گذار از ایرانی بود که خود را جزئی از جهان اسلام می‌دانست، به ایرانی که در دوره بعد در صدد بود قلمرو خود را چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر ایدئولوژیک حفظ کند و حتی آن را گسترش دهد.

از سوی دیگر، در این دوره افکار صوفی - شیعی، برخلاف تصوف در گذشته با اتکا به مهدویت، نوعی اقبال به امور دنیوی می‌کرد. نباید از نظر دور داشت که این مهدویت با آموزه‌های تشیع دوزاده امامی متفاوت بود. در اولین دوره، مهدی تنها از نسل علی بن ابیطالب بود که در برخی جنبش‌ها با خدا یکی دانسته می‌شد. رواج این شکل از مهدویت زاینده شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی ایران بود که ظهور مهدی عدالت‌گستر را ضروری کرد.

در چنین فضایی، فرقه حروفیه با دعوی فهم معانی رمزی و باطنی قرآن، به واسطه تجلی حق و اعطای علم حروف به فضل‌الله حروفی (موسس آن فرقه)، به وجود آمد. فضل‌الله استرآبادی که به خاطر سیادت و صوفی منشی و ساده زیستی و آگاهی به علوم ادیان مختلف و نیز خواجگزاری ناشی از روانشناسی مخاطبان‌شان به ویژه متنفذان، وجهه و اعتباری سریع در حکومت‌های وقت و جامعه به دست آورده بود، با انجام سفرهای متعدد به نشر افکار خود پرداخت. اندیشه‌هایی که به مرور به رنگ و قالب زمانه درمی‌آمد. او با توجه به ختم نبوت، به جای وحی، از خواب و رؤیا برای اثبات عقایدش یعنی مهدویت و تجلی حق و علم به معانی حروف قرآن بهره جست. مهدویت مستلزم جلب نظر مردم و در نهایت رویارویی با حاکمان وقت بود؛ عاملی که موجب شد حکام و علما بر سر تکفیر و قتلش اتفاق نمایند. اما با مرگ وی کار خاتمه نیافت و خانواده و جانشینان و پیروانش به تبلیغ افکار حروفی پرداختند. در این آرا

می‌توان، رگه‌هایی از تأویلات اسماعیلی، قباله خوانی یهودی، تجسد مسیحی، قدم عالم و تناسخ هندی، مهدویت شیعی، امام خدایی غلات، اهمیت به کار و ایران‌گرایی زردشتی، ساده زیستی و قناعت مانوی و حتی عدالت‌خواهی و ثابت قدمی مزدکی را باز یافت.

به نظر می‌رسد با توجه به تعالیم حروفی در خصوص الفبا و اشتغال خود حروفیان به حِرَف، صنایع و بازرگانی، مخاطبان این فرقه اغلب افراد باسواد و شهری بوده‌اند و کوششی برای جلب جامعه ایلی یا روستایی از طرف ایشان صورت نگرفته است و این یکی از علل ناکامی این فرقه محسوب می‌شود. از طرف دیگر، سابقه طولانی مبارزات حکومت‌ها با عقاید باطنی و تأویلی اسماعیلی موجب شد حکام وقت احساس نوعی این همانی میان حروفیه و اسماعیلیه پیدا کنند، خاصه که این فرقه گهگاه دست به اقدام مسلحانه (نظیر واقعه احمد لر) نیز می‌زد. لذا حکام هم خود را مصروف سرکوبی این فرقه می‌کردند. اکثر متفکران و حتی منتسبان به فرقه حروفیه در ایران، ماوراءالنهر، بین‌النهرین، سوریه و عثمانی یا کشته و یا تبعید شدند و این علت دوم شکست فرقه حروفیه به حساب می‌آید. علت سوم این ناکامی را شاید بتوان با بررسی تحول خود فرقه پس از نابودی موسس فرقه و جانشینان تبیین کرد.

در این زمان، حروفیان، آرمان‌های سیاسی مشخص و استراتژی منسجم و یکپارچه‌ای نداشتند. حتی بروز اختلاف در میان ایشان موجب انشعاب فرقه نقطوی گردید. چهارمین علت را می‌توان به جریان‌ها و نحله‌های هم‌عرض و گهگاه رقیب نظیر نقشبندیه، نوربخشیه، مشعشعیه و خصوصاً صفوی نسبت داد. برای مثال بارها اتفاق می‌افتاد که اموال حروفیان سرکوب شده به دیگر فرق نظیر نقشبندیه انتقال می‌یافت و یا آذربایجان که برای حروفیان ناحیه‌ای مقدس محسوب می‌شد، عرصه نفوذ فزاینده صفویه گردید.

در پایان نباید از نظر دور داشت علل و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که موجب پیدایش این فرقه شد، در این دوره در حال تغییر و دگرگونی بود و با استقرار صفویان در ایران و رویارویی آنان با عثمانیان، افکار و آرای حروفی تنها توانست در ایران به شکل تغییر یافته در نقطویه تا قرن یازدهم و در عثمانی در کسوت بکتاشیه تا عصر ما ادامه یابد.

## کتابنامه

- آزند، یعقوب. **حروفیه در تاریخ**. تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.
- استرآبادی، غیاث الدین محمد. **استوانامه**. نسخه خطی، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (ش ۱۰۲، سال ۸۴۶ق).
- براون، ادوارد. **تاریخ ادبیات ایران**. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: شرکت چاپ و نشر بانک ملی، ۱۳۷۲.
- تربیت، محمدعلی. **دانشمندان آذربایجان**. تهران: بی‌نا، ۱۳۱۴.
- تیمی البغدادی، ابومنصور عبدالقاهر. **اصول الدین**. بیروت: ناشر دارالکتب علمیه، ۱۳۴۶.
- جامی، عبدالرحمان. **نفحات الانس**. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰.
- جوادی‌زاده، زهرا بیگم. «زندگی نامه فضل‌الله نعیمی و جنبش حروفیه». مجله پژوهشی در خرد. شماره ۲. سال اول.
- حروفی، سید اسحاق. **محرم‌نامه**. نسخه خطی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- حروفی، فضل‌الله. **وصیت‌نامه**. نشریه شرقیات، ۱۳۴۶.
- حمیدی، فریده. «حروفیه در تاریخ»، مجله فرهنگ و توسعه. شماره ۶. اسفند ۱۳۷۶.
- خنجی، فضل‌الله بن روزبهان. **مهمان‌نامه بخارا**. تهران: سمت، ۱۳۷۵.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین. **تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر**. تهران: خیام، ۱۳۶۲.
- روملو، حسن بیگ. **احسن التواریخ**. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- زرین کوب، عبدالحسین. **دنباله جستجو در تصوف ایران**. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- سخاوی، شمس الدین محمد. **الضوء اللامع لاهل القرن التاسع**. بیروت: انتشارات دارمکتبه الحیاه، ۱۹۷۱.
- صفا، ذبیح‌الله. **تاریخ ادبیات در ایران**. تهران: نشر فردوس، ۱۳۶۶.
- عباسی، حبیب. «از شاعری تا شوریدگی». **جهان کتاب**. سال چهارم. شماره ۷ و ۸، سال ۱۳۷۹.
- عسقلانی، ابن حجر، **انباء الغمر بانباء العمر**، چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۹۲ق.
- علی‌الاعلی. **کرسی‌نامه**. نسخه خطی.
- کیا، صادق. **واژه‌نامه گرگانی**، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات، ۱۳۹۰.

گولپینارلی، عبدالباقی. **تصوف در یکصد پرسش و پاسخ**. ترجمه هاشم صبحانی. تهران: نشر

کتاب، ۱۳۸۱

مدرس تبریزی، محمدعلی. **ریحانه الادب**. تبریز: چاپخانه شفق، بی تا.

مقریزی، تقی الدین. **العقود الفریده فی تراجم الاعیان المفیده**. قم: دارالحدیث، بی تا.

میرجعفری، حسین. **تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره**

**تیموریان و ترکمانان**. ویرایش دوم. تهران: سمت، ۱۳۷۹.

نافجی، نصرالله. **خوابنامه**. نسخه خطی، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

هدایت، رضا قلی خان. **ریاض العارفین**. به کوشش محمدعلی گرگانی. تهران: بی نا، ۱۳۵۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی